

اصطلاح و مفهوم خاورمیانه

نارسایی يك عنوان جغرافیایی

حسین شکوفی

پایان عصر یخچالی و ناپدید شدن یخبهنه‌های عرضهای بالا، تغییراتی در آب و هوای سیاره زمین بوجود آورد و به تدریج نواحی استپی را به نواحی صحرایی مبدل ساخت. انسان و حیوان در جستجوی پناهگاههای تازه و دره‌های مرطوب رودخانه‌ها براه افتادند. مهاجرت انسان از استپها به دره‌های رودهای پر آب، آغاز مرحله بهره‌مندی از زمین و شروع کار آبیاری زمینها و بالاخره تأمین منابع معیشت از اقتصاد کشاورزی بود. با تکوین و تکامل دو انقلاب بزرگ که هر دو در پهنه خاور میانه شکل گرفت انسان بیش از پیش به زمین و محیط زیست خود وابسته و پیوسته شد:

۱- انسان کشت زمین را آموخت و تأمین معیشت خود را از راههای کشاورزی برشکار و کوچ‌نشینی ترجیح داد.

۲- انسان زندگی در جامعه‌های بزرگ «یکجا نشین» را برتر شمرد و تمرکز انسانها و افزایش عددی آنها در محل معین، نیاز آنان را به وجود دولتها و حکومتها برانگیخت و کم‌کم با افزایش قدرت یکجا نشینان، امپراطوریهای بزرگ پا به عرصه وجود نهادند که باغهای معلق بابل و اهرام مصر از یادگارهای این دوره است.

تحقیقات و اکتشافات سالهای اخیر نشان می‌دهد که اهلی کردن حیوانات و پرورش گیاهان، ابتدا در شیبهای ملایم کوههای اطراف جلگه دجله و فرات صورت گرفته و پس از انقلاب و دگرگونی در نحوه آبیاری، در مزارع گسترده در پای تپه‌ها

نیز عملی شده است. در این دوره، مراحل تحول و تکامل تمدن به‌کندی پیش می‌رفت بطوری که تنها در ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد زندگی شهری به مفهوم واقعی آن در بین‌النهرین ظاهر شد که شهرهای بزرگ، معابد عظیم، خط تصویری و تصویرنگاری از یادگارهای آن است. بدینسان اولین تمدنهای انسانی در سیاره زمین در هلال‌خسب Fertile Crescent شکل گرفت و نخستین مرحله انقلاب کشاورزی و اولین روستاها و شهرهای قابل سکونت نیز در همین ناحیه موجودیت یافت جایی که امروزه قلب ناحیه خاورمیانه را تشکیل می‌دهد^۱. مثل این است که خاورمیانه از بدو پیدایش تاریخ بشر، همواره ایفاگر نقشهای مهم در همه اعصار و قرون بوده است تا آنجا که در دوره‌های مختلف زادگاه و گهواره شایسته‌ی جهت ادیان بزرگ نظیر آئین یهود، مسیح و اسلام بشمار رفته‌است ولی امروزه نقش حساس و پراهمیت آن را می‌توان از موارد زیر باز شناخت:

۱- در طول تاریخ، خاورمیانه همواره به صورت چهار راه دنیای شناخته شده معرفی شده است. گاهی محصولات و تولیدات عمده و معروف خاور دور را به نواحی اروپا رسانیده و زمانی روش آبیاری این ناحیه بوسیله اعراب به اسپانیا برده شده است که حتی امروزه نیز یکی از عوامل مهم در کشاورزی اسپانیا شناخته می‌شود. در دوره قرون وسطی نیز عقاید و نظریات علمی و فلسفی یونان به‌وسیله فاتحان و حکام اسلامی به دنیای غرب رسید ولی در قرن پانزدهم با کشف راه دریایی هند، اهمیت و اعتبار نقش ترانزیتی خاورمیانه بسیار کاهش یافت و تا اواسط قرن نوزدهم جنوب غربی آسیا به حالت پرت و دور افتاده و برکنار از جریانهای سیاسی و اقتصادی عصر خود بسر برد. پس از حفر کانال سوئز، شرق مدیترانه و دریای سرخ به عنوان شریان اصلی

1- James H. Johnson. Urban Geography pp, 3-4.

خطوط ارتباطی میان قاره‌های اروپا و آسیا درآمد و به نقش سابق خود دست یافت. در قرن بیستم با توجه به شرایط جوئی که در اغلب روزهای سال مسافرت‌های هوایی را امکان پذیر می‌سازد پروازهای مرتبی بین کشور بریتانیا و شهرهای خاورمیانه شروع گردید و کم‌کم سایر کشورهای اروپایی نیز از راه هوا با ممالک خاور میانه رابطه پیدا کردند.

از اوایل قرن بیستم تحولات و دگرگونی‌های چشمگیری در اوضاع سیاسی جهان پدیدار گشت. می‌دانیم که در طول چند قرن مرکز ثروت و قدرت جهانی در شمال غربی اروپا بود اما از اوایل قرن بیستم ورود امریکا به صحنه سیاست جهان و ظهور رژیم جدید در اتحاد جماهیر شوروی و بعدها استقلال هند و قدرت یابی سیاسی و نظامی چین و نیز وابستگی اروپا به مواد غذایی و خام‌استرالیایا و افریقا، روابط عمومی کشورها را به شکل گسترده و در سطوح جهانی وسعت داد و آنها را به هم نزدیکتر ساخت. این ارتباط جهانی، خاورمیانه را به علت موقع مرکزی آن در سیاره زمین، در نقش يك چهارراه جهانی ارج و اعتبار بخشید. بی‌جهت نیست که در برنامه پروازهای شرکت هواپیمایی B. O. A. C.، پرواز به سوی شهرهای خاورمیانه بیش از هر ناحیه غیر اروپایی است.^۱

۲- خاورمیانه به مثابه يك پل بین سه قاره آسیا، اروپا و افریقا عمل می‌کند.

۳- خاورمیانه بین بخش غربی جهان کمونیسیم و قاره افریقا قرار گرفته است

قاره‌یی که هم اکنون مسائل زیادی را می‌طلبد و برخورد‌های ایده‌ئولوژیکی متعددی را نشان می‌دهد. از طرفی تسلط خاورمیانه بر سواحل شرقی و جنوبی دریای مدیترانه،

به حساسیت استراتژیکی ناحیه می‌افزاید و نظارت دقیق و مداوم قدرتهای بزرگ کنونی را موجب می‌شود.

- ۴- بیش از یک قرن از افتتاح کانال سوئز می‌گذرد در طول این مدت، این راه همواره به‌عنوان یکی از پر رفت و آمدترین راههای آبی جهان شناخته شده است.^۱
- ۵- بیش از ۶۰٪ ذخایر نفتی جهان در زیر شنهای سوزان خاورمیانه نهفته است و امروزه این ناحیه در نیمکره شرقی به بالاترین رقم تولید در نفت دست یافته است متأسفانه هنوز هم فقر و بیماری در سیمای ناحیه، انعکاسی از اقتصاد و اجتماع بیمارگونه آن و نمودار وابستگی به اقتصاد تک محصولی ناحیه است.

نارسایی عنوان خاورمیانه :

در سالهای گذشته عنوان «شرق» از نقطه نظر نزدیکی به اروپای غربی به سه عنوان مجزا از هم «خاور نزدیک»، «خاورمیانه» و «خاور دور» تقسیم می‌شد. این عنوانها اغلب از طرف جغرافی دانانی بکار می‌رفت که خود اروپایی بودند و از قسمتهای مختلف شرق، مفاهیم جداگانه‌یی نسبت به فاصله آنها از اروپای غربی طلب می‌کردند. فراموش نکنیم که در طرح این عنوانها عوامل سیاسی، اقتصادی و استعماری دخالتهای فراوانی داشته است.

هدف از طرح عنوان شرق کلمه «Orient» می‌باشد که ریشه لاتینی دارد و مترادف با East استعمال می‌شود. در قاره اروپا از مفهوم «شرقی قدرتمند Oriental Potentate» مفاهیم امپراطوری عثمانی، مهاراجه‌های هندی، فرمانروایان ژاپنی و امپراطوران چینی استنباط می‌شد.^۲

۱- Encyclopedia Britannica.

۲- The Journal of Geography. January 1969.

در طول قرنهای گذشته، توسعه حمل و نقل دریایی و بسط و گسترش تجاری بین نواحی مختلف، دریای سرخ را با جنوب و جنوب شرقی آسیا پیوند داد. توسعه قابل ملاحظه آئین اسلام به طرف شرق و خصومت و دشمنی جنگی ترکها، عربها، هندیها، چینیهها و ژاپنیها در برابر دولتهای غربی، این عقیده و نظر را تأیید کرد که عوامل مشترك و نهادهای پا برجا و پردوامی در سرزمینهای آسیایی وجود دارد که قاره اروپا فاقد آن است و نمی‌تواند خود را در فرهنگ ملل شرق دخالت دهد. به تدریج که عوامل مشترك فرهنگی در سرزمینهای آسیایی قوت می‌گرفت فکر جدایی تمدن آسیایی از فرهنگ اروپایی بیشتر تقویت می‌شد. همین تضادهای فرهنگی و خصیصه‌های قومی و بومی ملت‌های آسیایی بود که عنوانهای خاور نزدیک و خاور دور را به اذهان کنجکاو اروپاییان آشنا ساخت.

در قرن نوزدهم، استعمال عنوان آسیای صغیر همراه با عنوان خاور نزدیک عمومیت یافت که هر دو عنوان به قلمرو امپراطوری عثمانی اطلاق می‌شد. اغلب این عنوانها از طرف اروپاییان بکار می‌رفت و مردم ناحیه نسبت به آنها تقریباً بیگانه بودند و منظور از بکار گرفتن این عنوانها، نشان‌دادن امپراطوری عثمانی بود که ترکیه‌قلب آن را تشکیل می‌داد.

عنوان «خاور دور» به سرزمینها و مجمع‌الجزایر شرق و جنوب شرق آسیا که نسبت به اروپای غربی بیشترین فاصله را داشتند گفته می‌شد و شامل کشورهای چین، ژاپن، کره و فرمز بود. گاهی مغولستان را نیز جزو خاور دور بشمار می‌آوردند. عده‌یی از جغرافی‌دانان نیز کرانه‌های ساحلی اتحاد جماهیر شوروی را در اقیانوس آرام به آن اضافه می‌کردند. در پاره‌یی از نوشته‌های جغرافیایی، علاوه بر کشورها و نواحی که برشمردیم کشورهای تایلند، لائوس، کامبوج، ویتنام، مالزی، اندونزی و

فیلیپین را نیز جزو محدوده خاور دور می‌دانستند. بطور کلی اگر به محدودیت عنوان و اصطلاح خاور دور معتقد شویم بهتر است که عنوان «خاور دور» را تنها به شرق قاره آسیا اطلاق کنیم.

عنوانهایی از شرق که در اینجا گفته شد ابتدا در کشور بریتانیا و سپس در ایالات متحده بیش از هر جای دیگر دنیا مورد توجه قرار گرفت. عنوان خاور نزدیک در کشور بریتانیا به مفهوم ترکیه و بخشهایی از بالکان که تحت تصرف امپراطوری عثمانی بود بکار برده می‌شد. از سال ۱۹۰۰ تا شروع جنگ دوم جهانی نواحی بین‌النهرین، شبه جزیره عربستان و بخش لونت Levant «سواحل سوریه، لبنان و اردن» که در قلمرو حکومت امپراطوری عثمانی بود به محدوده خاور نزدیک اضافه شد.

در آوریل سال ۱۹۴۱، دولت بریتانیا تأسیساتی برای ذخیره مواد و کالاهای مورد نیاز جبهه‌های جنگ بوجود آورد و برای آنها عنوان خاورمیانه را برگزید. از این تاریخ به بعد تمایل به حذف عنوان «خاور نزدیک» و عمومیت دادن عنوان «خاور میانه» به همه ناحیه مورد بحث افزایش یافت.^۲

بخشی از خاور میانه عنوان لونت Levant بخود می‌گیرد که خود کلمه ریشه لاتینی دارد و به معنی مشرق است جایی که آفتاب از آنجا طلوع می‌کند. در زبان ایتالیایی این عنوان به سواحل شرقی دریای مدیترانه گفته می‌شود ولی از مدت‌ها قبل عنوان ناحیه لونت جهت معرفی مردمی بکار می‌رود که بین سواحل مدیترانه‌یی ترکیه و بخش شمالی مصر زندگی می‌کنند. مرکز جغرافیایی لونت کشور لبنان است که در طول قرن‌های گذشته پناهگاهی مطمئن برای مسیحیان خاورمیانه بوده و این اقلیت را

۲- Richard O. Riess. "The Middle East" The Journal of Geography. January 1969.

در برابر اکثریت مسلمان ناحیه صمیمانه پذیرا گشته است .
 در بعضی از کتابهای جغرافیایی لونت را چنین تعریف می‌کنند : « ناحیه‌یی که
 بین دریای مدیترانه و صحرای سوریه و عربستان واقع شده است » . در اغلب قسمت‌های
 لونت یکنوع وحدت و یگانگی خاص جغرافیایی می‌یابیم که ناشی از تسلط عمیق آب
 و هوای مدیترانه‌یی در همهٔ خصیصه‌های زندگی به ویژه در اوضاع اقتصادی است .
 اینجا از قدیم‌ترین ادوار تاریخی ، تنها راه ارتباطی بین شرق و غرب دنیای شناخته
 شده بوده است .

اطلاق « جهان عرب » به ناحیهٔ خاورمیانه به جهت عمومیت یابی زبان عربی
 نارسا و غیر منطقی است زیرا از میان کشورهای خاورمیانه ، تنها مردم ممالک مصر ،
 سودان ، عربستان ، اردن ، سوریه ، لبنان و عراق به زبان عربی تکلم می‌کنند .

علاوه بر این در قسمت شمال خاورمیانه زبان ترکی که منشائی از زبان آسیای
 مرکزی دارد از قرن یازدهم میلادی به وسیلهٔ فاتحین ترک نژاد عمومیت پیدا کرده است
 و با گسترش خود اغلب قسمت‌های آسیای صغیر و بخشهایی از اتحاد جماهیر شوروی
 را در بر گرفته است . در کشور ایران نیز که بنا به عقیدهٔ همهٔ جغرافی‌دانان یکی از
 اجزاء اصلی خاورمیانه است زبان فارسی عمومیت دارد . گویش کردی نیز یکی از
 زبانهای خاورمیانه است که نفوذ خود را از تپه‌های بخش مرکزی ترکیه تا جنوب غربی
 ایران گسترش داده است . عده‌یی از مردم شهر نشین و روستا نشین خاورمیانه به زبان
 ارمنی سخن می‌گویند و یونانی زبان غالب مردم قبرس است . در اسرائیل زبان عبری
 و عربی به عنوان زبانهای رسمی شناخته شده است .

با توجه به زبانها و لهجه‌های متعددی که در خاورمیانه برشمریم نمی‌توان از
 این ناحیه به عنوان « جهان عرب » نام برد بلکه اگر همهٔ خصیصه‌های فرهنگی را در

نظر بگیریم می‌توانیم واحدهای سیاسی زیر را جزو جهان عرب بشمار آوریم .
الجزایر ، اردن ، عدن ، بحرین ، عراق ، کویت ، لبنان ، لیبی ، مغرب ، مسقط و
عمان ، عربستان سعودی ، تونس ، مصر ، یمن و سوریه .

گاهی اوقات به جای «خاورمیانه» عنوان «جهان اسلام» بکار می‌رود و هدف از
بکار بردن این عنوان نیز کشورهای عربی ناحیه است . درست است که قلب دنیای اسلام
در جهان عرب است ولی اکثریت مسلمانان دنیا در ایران ، اندونزی ، ترکیه ، مالزی
و پاکستان جای گرفته‌اند که از فرهنگ عمومی اعراب چندان متأثر نیستند علاوه
بر این مجموع جمعیت این کشورها نیز از جمعیت کشورهای عربی بیشتر است . جالب
اینجاست که در ناحیه خاورمیانه ، عامل مذهب حتی ملیتها را نیز تحت تأثیر خود
قرار داده است از این رو امکان دارد که يك عرب در برابر این سؤال که : «شما از
کدام کشور هستید ؟ فوراً جواب دهد که من يك مسیحی هستم . چنین پاسخی در مورد
مسلمانان نیز صادق است» .

از طرفی در ناحیه خاورمیانه ، غیر از دین اسلام به‌ادیان دیگری نیز برخورد
می‌کنیم مثلاً مسیحیت در این ناحیه نفوذ زیادی دارد . بعد از امپراطوری روم جدایی
جغرافیایی و قدرت یابی ناحیه‌یی ، ظهور فرقه‌های دین مسیح را موجب شد : کلیسای
ارتدوکس ، کاتولیک رومی ، نستوری ، ارمنی ، حبشه‌یی ، از آن جمله است که هر يك
پیروانی در ناحیه خاورمیانه دارند .

اگر هدف از عنوان «خاورمیانه» تنها کشورهایی باشند که از فرهنگ اسلامی
متأثرند در اینصورت لازم می‌آید که اسرائیل را از ناحیه خاورمیانه حذف و به جای
آن از نظر جغرافیایی ، فرهنگی و مذهبی ، کشورهای افغانستان و پاکستان را
اضافه کنیم .

جان فاستر دالس^۱، حدود خاورمیانه را چنین تعیین می‌کند: «هر چیزی که بین لیبی در مغرب، پاکستان در مشرق، ترکیه در شمال و شبه جزیره عربستان در جنوب باشد و شامل اتیوپی و سودان نیز گردد محدوده خاورمیانه را تشکیل می‌دهد». در مقابل این گفته، عده‌ی از محققین، پاکستان و افغانستان را جزو محدوده خاورمیانه نمی‌دانند بلکه آنها را زیر عنوان کشورهای جنوب قاره آسیا مطالعه می‌کنند.

نورمن پاندن^۲ درباره مفهوم خاورمیانه چنین اظهار نظر می‌کند: «این عنوان بیشتر نارسا و مبهم بنظر می‌رسد. گاهی کشور ایران را شامل است و زمانی حدود آن در خلیج فارس پایان می‌یابد. برای عده‌ی اضافه کردن نواحی شمالی آفریقا و لیبی به محدوده خاورمیانه مطرح است و برای جمعی حدود آن باید در مصر متوقف گردد. اما ما در این کتاب خاورمیانه را شامل کشورهای ترکیه، قبرس، ایران، مصر، لیبی، عربستان سعودی، عراق، سوریه، لبنان، اسرائیل، اردن و شیخ نشین‌های کویت، بحرین، قطر، مسقط، عدن و یمن می‌دانیم»^۳.

عده‌ی را عقیده بر این است که باید سرزمینهای اریتره، اتیوپی و سرزمین سومالی در محدوده خاورمیانه قرار گیرند ولی جمعی را نظر بر این است که آنها را نباید به داخل مرزهای خاور میانه کشاند زیرا این سرزمینها تا منطقه مداری قاره آفریقا کشیده می‌شوند. حدودی چنین گسترده نمی‌تواند به عنوان خاورمیانه معرفی گردد. کارلتن کون^۴ انسان شناس معروف، در کتاب خود تحت عنوان «کاروان: تاریخ خاور میانه» از محدوده خاور میانه بر اساس عوامل فرهنگی چنین یاد می‌کند:

۱- John Foster Dulles.

۲- Norman J. Pounds.

۳- Pounds, Kingsbury. An Atlas of Middle Eastern affairs. P. 2.

۴- Carleton. S. Coon.

«خاورمیانه کشورهای اسلامی را از مراکش تا افغانستان در بر می‌گیرد». این دانشمند ترکیه و پاکستان را نیز به محدوده خاورمیانه اضافه می‌کند.

نتیجه:

۱- عده‌یی از جغرافی‌دانان عقیده دارند که عنوانهای خاور میانه و خاور نزدیک به ندرت قابل تعریف‌اند و هر تعریفی که در این زمینه‌ها ارائه گردد بیشتر دلبخواه، اختیاری و حتی گمراه‌کننده خواهد بود. بهتر آن است که جغرافی‌دانان از استعمال عنوانهای ناحیه‌یی که قابل تعریف نیستند سخت دوری کنند.

۲- در کتابهای جغرافیایی که بعد از جنگ دوم جهانی در دنیا منتشر شده است هیچگونه توافقی در تعیین حدود و مرزهای خاورمیانه دیده نمی‌شود بطوری که گاهی اوقات در آنها، عنوان خاورمیانه حذف می‌گردد و به جای آن دو عنوان محزا ازهم بنام «شمال افریقا و خاور نزدیک» بکار برده می‌شود و زمانی نیز همه کشورهای آسیایی در محدوده خاورمیانه زیر عنوان آسیای جنوب غربی یا آسیای غربی مطالعه می‌گردد.

۳- اگر از عنوان خاورمیانه، یک ناحیه طبیعی بدانسان که در علم جغرافیا مورد نظر است طلب کنیم به هیچ نتیجه‌یی نخواهیم رسید زیرا وحدت و تجانس در سایر واحدهای جغرافیایی نظیر نواحی امریکای لاتین و قاره اروپا بیش از خاورمیانه است و حتی در مقایسه با آنها بیشتر به یک اصطلاح قرار دادی می‌ماند. ولی اگر عنوان ناحیه را تنها بر معیار تسلط نوع آب و هوا بر خاورمیانه قرار دهیم تا حدودی به وحدت ناحیه‌یی نزدیکتر خواهیم شد زیرا در خاور میانه همه خصیصه‌های زندگی مادی و معنوی گروههای انسانی متأثر از عامل آب و هوای ناحیه است.

اصولی و منطقی است که این نوشته را با قضاوت و داوری مجله جغرافیایی چاپ امریکا در باره محدوده خاورمیانه پایان دهیم. در شماره ماه مه سال ۱۹۶۷ مجله

جغرافیایی *Journal of Geogcaphy* ، خواننده‌ی سؤالی به این شرح مطرح می‌سازد: « بطور دقیق خاور میانه کجاست ؟ ». پاسخگوی مجله چنین جواب می‌دهد : « اگر غیر ممکن نباشد حد اقل مشکل است !! با وجود این اغلب مردم معتقدند که ترکیه و ایران و همه کشورهای و سرزمینهای آسیایی که در جنوب این دو کشور واقع شده‌اند به اضافه مصر به خاورمیانه تعلق دارند » .

منابع و مأخذ این مقاله

- ۱- Desmond Stevart and The Editors of Life. The Arab world. Life world Library 1967.
- ۲- Norman J. G. Pounds, Robert C. Kings3vry. An Atlas of Middle Eastern Affairs. Methuen 1966.
- ۳- Richard O. Riess. "The Middle East" "The Problem of Geographic Terminology". Journal of Geography. January 1969.
- ۴- W. B. Fisher. The Middle East. Methuen 1963.
- ۵- Journal of Geography. May 1967.
- ۶- Encyclopedia International. Grolier 1967.
- ۷- James H. Johnson. Urban Geography. An introductory Ana-lysis. Pergamon Press Ltd. 1967.
- ۸- Encyclopedia Britannica.
- ۹- The Middle East. Europa Publications Limited. 1961.